

دیوان
اختر چرخ ادب
ملکہ النساء و الشواعر
پروین اعتصامی

به کوشش و نظارت: حسن برازان

اعتصامی، پروین، ۱۳۸۵ - ۱۳۳۰.

(دیوان)

دیوان اختر چرخ ادب ملکه النساء و الشعراء پروین اعتصامی/به
کوشش و نظارت حسن برازان. - - مشهد: سنبله، ۱۳۸۴.
یک، ۵۰۱ص: نمونه، عکس.

ISBN: 964-392-267-7 ریال ۳۸۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

۱. شعر فارسی - - قرن ۱۴. الف. برازان، حسن، مصحح. ب. عنوان.

PIR / ۷۶۱۴ ۱۳۸۴ د ۵۹۴ الف ۱/۸۸۴

الف ۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران ۱۰۲۷۲ - ۸۴م



نشر سنبله

دیوان اختر چرخ ادب پروین اعتصامی

گردآوری شده به کوشش: حسن برازان

انتشارات: سنبله

تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

چاپ: دقت ۳۴۱۹۵۶۰

طراح: روح الله رجائی

حروفچینی و صفحه نگاری: حمید شیرزهی

ویراستار: وحید قلی نژاد

قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۵۵۰۳۹۷۶۷

شابک: ۷ - ۲۶۷ - ۳۹۲ - ۹۶۴

فهرست مندرجات

عنوان	شماره صفحه
مقدمه حسن برازان	۳۱
نمونه امضاء و دست خط پروین اعتصامی	۴۳
سند دفن و ادای احترام به جسد پروین	۴۸
ماجرای غم انگیز طلاق و تفریق اختر چرخ ادب (به نقل از مجله تلاش)	۵۱
مقدمه از استاد ملک الشعرای بهار	۵۹
قصاید	۷۱
۱. غم بیهوده	۷۳
۲. بنده تدبیر	۷۶
۳. خانه در رود	۷۷
۴. متاع راستی	۷۸
۵. تند باد حادثه	۸۰
۶. فلک سفله کجمدار	۸۱
۷. طفل روح و سنگ اهریمن	۸۴
۸. اهریمن رهنما	۸۵
۹. گهر پاک	۸۸
۱۰. شالوده کاج جهان	۹۱
۱۱. بهار بی خزان	۹۳
۱۲. راه چاره	۹۷
۱۳. هیچ دانی چه کسی گشت استاد؟	۹۹
۱۴. بقاء بی همتا	۱۰۱
۱۵. صید و صیاد	۱۰۳
ای دل! عیث مخور غم دنیا را .	
کار مده نفس تبهکار را .	
رهائیت باید، رها کن جهان را .	
یکی پرسید از سقراط: کز مردن چه خواندستی ؟	
ای کنده سیل فتنه ز بنیادت .	
ای دل! فلک سفله کجمدار است .	
آهوی روزگار ، نه آهوست ، ازدر است .	
ای عجب! این راه نه راه خداست .	
گویند عارفان ، هنر و علم کیمیاست .	
شالوده کاخ جهان بر آبست .	
آنکس که چو سیمرغ بی نشانست .	
اگر چه در ره هستی ، هزار دشواریست .	
عاقل از کار بزرگی طلبید .	
ای دل! بقا دوام و بقائی چنان نداشت .	
دل اگر توشه و توانی داشت .	

- ۱۰۵ . ۱۶ . روز بگذشته خیال است که از نو آید فلک، ای دوست، زبس بی حد بیمر گردد.
- ۱۰۷ . ۱۷ . تو، توانا شدی ای دوست که بار ی بکشی سوخت اوراق دل از اخگر پنداری چند.
- ۱۰۹ . ۱۸ . معمار و عقل سر و عقل گر خدمت جان کنند .
- ۱۱۰ . ۱۹ . حجاب پرهیز ای دوست ! دزد، حاجب و دربان نمی شود.
- ۱۱۲ . ۲۰ . دانی که را بسزد صفت پاکی دانی که را بسزد صفت پاکی؟
- ۱۱۳ . ۲۱ . راهنمای راه معنی هفته ها کردیم ماه و سالها کردیم پار .
- ۱۱۴ . ۲۲ . دیده حق بین کارها بود در این کارگاه اخضر .
- ۱۱۶ . ۲۳ . وقت گریزان ای سیه مار جهان را شد افسونگر .
- ۱۱۹ . ۲۴ . طوفان دهر ای شده شیفته ی گیتی و دورانش .
- ۱۲۳ . ۲۵ . سالک طریق ای بیخیز ز منزل و پشش آهنگ .
- ۱۲۴ . ۲۶ . توسن هوی در خانه شحنه خفته و دزدان به کوی و بام .
- ۱۲۶ . ۲۷ . چشم عقل نخواست هیچ خردمند ، وام از ایام .
- ۱۲۸ . ۲۸ . اهریمن از نفس گفته است بسی ژاژ و بسی مبهم .
- ۱۳۰ . ۲۹ . سود و زیان تا به بازار جهان سودا گریم .
- ۱۳۲ . ۳۰ . خنده اهل هنر بد همنشاند زیر گنبد گردان .
- ۱۳۴ . ۳۱ . کارگاه عمر حاصل عمر تو افسوس شد و حرمان .
- ۱۳۷ . ۳۲ . دزد زمانه دزد تو شد این زمانه ریمن .
- ۱۳۹ . ۳۳ . توسن چرخ دگر باره شد ار تاراج بهمین .
- ۱۴۱ . ۳۴ . توشه ای گیر که بس ... پرده ی کس نشد این پرده میا گون .
- ۱۴۲ . ۳۵ . شطرنج فلک گرت ای دوست بوذ دیده روشن بین .
- ۱۴۳ . ۳۶ . حدیث جان تو بلند آوازه بودی ، ای روان .
- ۱۴۴ . ۳۷ . زنگار گردون گردون نرهد ز تند رفتاری .
- ۱۴۵ . ۳۸ . افزون طلبی سود خود را چه شماری که زیانکاری .
- ۱۴۶ . ۳۹ . تا به کی کودنی و سستی و خودرانی ای شده سوخته آتش نفسانی .
- ۱۴۹ . ۴۰ . آئینه طلب اگر روی طلب ز آئینه معنی نگردانی .
- ۱۵۲ . ۴۱ . ترازوی چرخ اخضر بسوز، اندر این تیه ، ای دل نهانی .

مثنویات ، تمثیلات

۱۵۷

۴۳. آتش دل
 ۴۴. آرزوها « شاهین محبت »
 ۴۵. آرزوها « سودای دل »
 ۴۶. آرزوها « کشتی صبر »
 ۴۷. آرزوها « نور علم »
 ۴۸. آرزوها « زر معانی »
 ۴۹. آرزوی پرواز
 ۵۰. آرزوی مادر
 ۵۱. آسایش بزرگان
 ۵۲. آشیان ویران
 ۵۳. آئین آئینه
 ۵۴. احسان بی ثمر
 ۵۵. ارزش گوهر
 ۵۶. از یک غزل
 ۵۷. اشک یتیم
 ۵۸. امروز و فردا
 ۵۹. امید و نومیدی
 ۶۰. اندوه فقر
 ۶۱. ای رنجبر
 ۶۲. ای گریه
 ۶۳. ای مرغک
 ۶۴. باد و بروت
 ۶۵. بازی زندگی
- به لاله نرگس مخمور گفت وقت سحر .
 ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن .
 ای خوشا سودای دل از دیده پنهان داشتن .
 ای خوش از تن کوچ کردن ، خانه در جان داشتن .
 ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن .
 ای خوش اندر گنج دل ، زر معانی داشتن .
 کیوتر بچه ای با شوق پرواز .
 جهاننیده کشاورزی به دشتی .
 شنیده اید که آسایش بزرگان چیست ؟
 از ساخت پاک آشیانی .
 وقت سحر ، به آینه ای گفت شانه ای .
 بارید ابر بر گل پژمرده و گفت .
 مرغی نهاد روی به باغی ز خرمی .
 بی روی دوست ، دوش شب ما سحر نداشت .
 روزی گذشت پادشهی از گذر گهی .
 بلبل آهسته به گل گفت شبی .
 به نومیدی ، سحرگه گفت امید .
 با دوک خویش ، پیرزنی گفت وقت کار .
 تا به کی جان کندن اندر آفتاب ای رنجبر !
 ای گریه ، ترا چه شد که ناگاه .
 ای مرغک خرد ، ز آشیانه .
 عالمی طعنه زد به نادانی .
 عدسی وقت پختن از ماشی .

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۴

۱۸۶

۱۸۸

۱۸۹. بادی وزید لانه خردی خراب کرد.
۱۹۰. بلبل از جلوه ی گل بی قرار.
۱۹۴. به ماه دی ، گلستان گفت با برف .
۱۹۶. شنیدستم که وقت برگریزان .
۱۹۹. بنفشه صبحدم افسرده و باغبان گفتش .
۲۰۰. خمید نرگس پژمرده ز انده و شرم .
۲۰۲. بزرگی داد، یک درهم گدا را .
۲۰۳. به غاری تیره ، درویشی دمی خفت .
۲۰۵. به سرخاک پدر، دخترکی .
۲۰۶. دید موری در رهی پیلی سترک .
۲۰۸. گفت دیوار قصر پادشهی .
۲۱۰. به آب روان گفت گل کز تو خواهم .
۲۱۱. ز سری ، موی سپیدی روئید .
۲۱۲. به دامان گلستانی شبانگاه .
۲۱۴. نهال تازه رسی گفت به درختی خشک .
۲۱۵. در دست بانویی ، به نخی گفت سوزنی .
۲۱۶. لاله ای با نرگس پژمرده گفت .
۲۱۷. دختر خردی ، به مهمانی رفت .
۲۱۹. گفت تیری با کمان ، روز نبرد .
۲۲۱. دختر خرد ، شکایت سرکرد .
۲۲۳. گفت ماهی خوار با ماهی ز دور .
۲۲۵. به درویشی ، بزرگی جامه ای داد .
۲۲۷. کودکی دربر ، قبائی سرخ داشت .
۲۲۸. نهان شد از گل زردی ، گلی سپید که ما .
۲۳۰. کاهلی درگرسنه ای افتاد سست .
۲۳۴. کسی که بر سر نرد جهان قمار نکرد .
۶۶. بام شکسته
۶۷. بلبل و مور
۶۸. برف و بوستان
۶۹. برگ گریزان
۷۰. بنفشه
۷۱. بهای جوانی
۷۲. بهانی نیکی
۷۳. بی آرزو
۷۴. بی پدر
۷۵. پایمال از
۷۶. پایه و دیوار
۷۷. پیام گل
۷۸. پیک پیری
۷۹. پیوند نور
۸۰. تاراج روزگار
۸۱. توانا و ناتوان
۸۲. توشه پژمردگی
۸۳. تهیدست
۸۴. تیر و کمان
۸۵. تیره بخت
۸۶. تیمارخوار
۸۷. جامه ی عرفان
۸۸. جان و تن
۸۹. جمال حق
۹۰. جولای خدا
۹۱. چند پند

۲۳۵	گنجشک خرد گفت سحر با کیوتری .	۹۲ . حدیث مهر
۲۳۶	بلبل شفته میگفت به گل .	۹۳ . حقیقت و مجاز
۲۳۷	به طعنه پیش سگی گفت گربه کای مسکین .	۹۴ . خاطر خشنود
۲۳۸	بر سر راهی ، گدائی می گذشت .	۹۵ . خوان کرم
۲۴۱	مرغی به باغ رفت و یکی میوه کند و خورد .	۹۶ . خون دل
۲۴۲	آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز .	۹۷ . درخت بی بر
۲۴۳	به الماس میزد چکش زرگری .	۹۸ . دریای نور
۲۴۶	حکایت کرد سرهنگی به کسری .	۹۹ . دزد خانه
۲۴۷	برد دزدی را سوی قاضی عسس .	۱۰۰ . دزد و قاضی
۲۴۹	این چنین خواندم که روزی روبهی .	۱۰۱ . دکان ریا
۲۵۱	قاضی کشمیر ز محضر . شامگاه .	۱۰۲ . دو محضر
۲۵۵	بلبل گفت به کیچ قفسی .	۱۰۳ . دو همدرد
۲۵۷	درآبگیر ، سحرگاه بیا به ماهی گفت .	۱۰۴ . دو همراز
۲۵۸	شبی به مردمک چشم ، طعنه زد مزگان .	۱۰۵ . دیدن و نادیدن
۲۶۴	شکایت کرد روزی دیده با دل .	۱۰۶ . دیده و دل
۲۶۶	گفت با زنجیر ، در زندان شبی دیوانه ای .	۱۰۷ . دیوانه و زنجیر
۲۶۷	شنیده اید که روزی به چشمه ی خورشید .	۱۰۸ . ذره
۲۶۸	در آن ساعت که چشم روز می خفت .	۱۰۹ . ذره و خفاش
۲۷۰	ای که عمریست راهپیمائی .	۱۱۰ . راه دل
۲۷۱	گفت سوزن با رفوگر وقت شام .	۱۱۱ . رفوی وقت
۲۷۳	خلید خار دشتی به پای طغلی خرد .	۱۱۲ . رنج نخست
۲۷۴	ز قلعه ، ماکبانی شد به دیوار .	۱۱۳ . روباه نفس
۲۷۶	تو چو زری . ای روان تابناک .	۱۱۴ . روح آزاد
۲۷۸	به شکوه گفت جوانی فقیر با پیری .	۱۱۵ . روح آزرده
۲۴۹	سخن گفت باخویش ، دلوی به نخوت .	۱۱۶ . روش آفرینش
۲۸۰	آن شنیدید که در شیروان .	۱۱۷ . زاهد خود بین

۲۸۲	زن در ایران ، پیش ازین گوئی که ایرانی نبود .	۱۱۸ . زن در ایران
۲۸۴	کبوتری ، سحر اندر هوای پروازی .	۱۱۹ . سپید و سیاه
۲۸۵	نهفتن به عمری غم آشکاری .	۱۲۰ . سختی و سختیها
۲۸۶	به جغد گفت شبانگاه طوطی از سر خشم .	۱۲۱ . سرنوشت
۲۸۹	به صحرا ، سرود این چنین خارکن .	۱۲۲ . سرود خارکن
۲۹۱	نهان کرد دیوانه درجیب ، سنگی .	۱۲۳ . سرو سنگ
۲۹۲	به راهی در ، سلیمان دید موری .	۱۲۴ . سعی و عمل
۲۹۴	اشک طرف دیده را گردید و رفت .	۱۲۵ . سفر اشک
۲۹۵	به کنج مطبخ تاریک ، تا به گفت به دیگ .	۱۲۶ . سیه روی
۲۹۶	شاهدی گفت به شمع کاشب .	۱۲۷ . شاهد و شمع
۲۹۷	شباهنگام ، کاین فیروزه گلشن .	۱۲۸ . شب
۲۹۹	چو رنگ از رخ روز پرواز کرد .	۱۲۹ . شباویز
۳۰۱	نیکنای نباشد از ره عجب .	۱۳۰ . شرط نیکنای
۳۰۲	روز شکار ، پیرزنی با قباد گفت .	۱۳۱ . شکایت پیر زن
۳۰۳	با بتفشه ، لاله گفت ایی خبر .	۱۳۲ . شکسته
۳۰۴	به زندان تاریک ، در بند سخت .	۱۳۳ . شکنج روح
۳۰۶	نارونی بود به هندوستان .	۱۳۴ . شوق برابری
۳۰۸	زرگری پند به فرزند داد .	۱۳۵ . صاعقه ی ما ستم اغنیاست
۳۱۱	غنچه ایگفت به پژمرده گلی .	۱۳۶ . صاف و درد
۳۱۲	شنیدم بود در دامان راغی .	۱۳۷ . صید پریشان
۳۱۵	کودکی کوزه ای شکست و گریست .	۱۳۸ . طفل یتیم
۳۱۷	تاجری درکشور هندوستان .	۱۳۹ . طوطی و شکر
۳۱۹	عاقلی ، دیوانه ایرا داد پند .	۱۴۰ . عشق حق
۳۲۱	سحرگه غنچه ای درطرف گلزار .	۱۴۱ . عمر گل
۳۲۳	به بام قلعه ای ، بازشکاری .	۱۴۲ . عهد خونین
۳۲۵	زاغی به طرف باغ ، به طاوس طلعه زد .	۱۴۳ . عیبجو

۱۴۴. غرور نیکبختان
۱۴۵. فرشته ی انس
۱۴۶. فریاد حسرت
۱۴۷. فریب آشتی
۱۴۸. فلسفه
۱۴۹. قائده تقدیر
۱۵۰. قدر هستی
۱۵۱. قلب مجروح
۱۵۲. کارآگاه
۱۵۳. کارگاه حریر
۱۵۴. کاروان چمن
۱۵۵. کارهای ما
۱۵۶. کرباس و الماس
۱۵۷. کعبه ی دل
۱۵۸. کمان قضا
۱۵۹. کوتاه نظر
۱۶۰. کودک آرزومند
۱۶۱. کوه و کاه
۱۶۲. کیفربی هنر
۱۶۳. گذشته ی بی حاصل
۱۶۴. گرگ و سگ
۱۶۵. گرگ و شبان
۱۶۶. گره گشای
۱۶۷. گریه ی بی سود
۱۶۸. گفتارو کردار
۱۶۹. گل بی عیب
۳۲۷. ز دامی دید گنجشکی همائی .
۳۲۹. در آن سرای که زن نیست ، انس الفت نیست .
۳۳۱. فتاد طائری از لانه ز درد تپید .
۳۳۲. ز حيله بر در موشی نشست گربه و گفت .
۳۳۳. نخودی گفت لوبیاوی را .
۳۳۴. کرد آسیا ز آب ، سحرگاه باز خواست .
۳۳۶. سرو خندید سحر بر گل سرخ .
۳۳۷. دی ، کودکی به دامن مادر گریست زار .
۳۳۸. گربه ی پیری ز شکار افتاد .
۳۴۰. به کرم پیله شنیدم که حلقه زد حنزون .
۳۴۱. گفت با صید قفس ، مرغ چمن .
۳۴۲. نخوانده فرق سر از پای ، عزم کو کردیم .
۳۴۳. یکی گوهر فروشی ، ثروت اندوز .
۳۴۵. گه احرام ، روز عید قربان .
۳۴۸. موشکی را به مهر ، مادر گفت .
۳۵۰. شمع بگریست گه سوز و گداز .
۳۵۱. دی ، مرغکی به مادر خود گفت ، تا به چند .
۳۵۲. به چشم عجب سوی کاه کرد کوه نگاه .
۳۵۳. به خویش ، هیمة گه سوختن به زاری گفت .
۳۵۵. کاشکی وقت راشتاب نبود .
۳۵۶. پیام داد سگ گله را ، شبی گرگی .
۳۵۷. شنیدستم یکی چوپان نادان .
۳۵۹. پیر مردی ، مقلس و برگشته بخت .
۳۶۲. باغبانی ، قطره ای بر برگ گل .
۳۶۳. به گربه گفت ز راه عتاب شیر ژبان .
۳۶۶. بلبلی گفت سحر با گل سرخ .

۳۶۸	صبحدم ، صاحب‌دلی در گلشنی .	۱۷۰ . گل پژمرده
۳۷۰	نهفت چهره گلی زیر برگ و بلبل گفت .	۱۷۱ . گل پنهان
۳۷۱	به طرف گلشنی ، در نو بهاری .	۱۷۲ . گل خودرو
۳۷۳	گل سرخ ، روزی ز گرما فسرد .	۱۷۳ . گل سرخ
۳۷۶	در باغ ، وقت صبح چنین گفت گل به خار .	۱۷۴ . گل و خار
۳۷۸	صبحدم ، تازه گلی خود بین گفت .	۱۷۵ . گل و خاک
۳۸۰	گلی ، خندید در باغی سحرگاه .	۱۷۶ . گل و شبنم
۳۸۲	گفت گرگی با سگی ، دور از رمه .	۱۷۷ . گله ی بیجا
۳۸۴	نهاد کودکی خردی به سر ، گل تاجی .	۱۷۸ . گنج ایمن
۳۸۶	دزد عیاری ، به فکر دستبرد .	۱۷۹ . گنج درویش
۳۹۰	آن نشیندید که یک قطره اشک .	۱۸۰ . گوهر اشک
۳۹۲	شنیدستم که اندر معدنی تنگ .	۱۸۱ . گوهر و سنگ
۳۹۵	مادرموسی ، چو موسی را به نیل .	۱۸۲ . لطف حق
۳۹۹	با مرغکان خویش، چنین گفت ماکیان .	۱۸۳ . مادر دوراندیش
۴۰۱	یکی مرغ زیرک ، ز کوتاه بامی .	۱۸۴ . مرغ زیرک
۴۰۲	محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت .	۱۸۵ . مست و هوشیار
۴۰۳	دید موری ، طاسک لغزنده ای .	۱۸۶ . معمار نادان
۴۰۶	شنیده اید میان دو قطره خون چه گذشت ؟	۱۸۷ . مناظره
۴۰۸	با مور گفت مار ، سحرگه به مرغزار .	۱۸۸ . مور و مار
۴۱۰	قاضی بغداد ، شد بیمار سخت .	۱۸۹ . نا آزموده
۴۱۳	نوگلی ، روزی ز شورستان دمید .	۱۹۰ . نا اهل
۴۱۵	جوانی چنین گفت روزی به پیری .	۱۹۱ . ناتوان
۴۱۶	بزرگمهر ، به نوشیروان نوشت که خلق .	۱۹۲ . نامه به نوشیروان
۴۱۷	به سوزنی زره شکوه گفت پیرهنی .	۱۹۳ . نشان آزادی
۴۱۸	ز درد پای ، پیرزنی ناله کرد زار .	۱۹۴ . نغمه ی خوشه چین
۴۱۹	شب شد و پیر رفوگر ناله کرد .	۱۹۵ . نغمه رفوگر

۴۲۱	صبح آمد و مرغی صبحگاهی .	۱۹۶ . نغمه ی صبح
۴۲۴	هر که با پاکدلان صبح و مسائی دارد .	۱۹۷ . نکته ای چند
۴۲۵	سیر یک روز طعنه زد به پیاز .	۱۹۸ . نکوهش بیجا
۴۲۶	همای دید سوی ماکیان به قلعه و گفت .	۱۹۹ . نکوهش بی خبران
۴۲۸	جفل پیر گفت آنکشت .	۲۰۰ . نکوهش نکوهیده
۴۲۹	سپیده دم ، نسیمی روح پرور .	۲۰۱ . نوروز
۴۳۰	ای نهال آرزو ، خوش زی که بار آورده ای .	۲۰۲ . نهال آرزو
۴۳۱	ای دل ! اول قدم نیکدلان .	۲۰۳ . نیکی دل
۴۳۲	گفت با خاک صبحگاهی باد .	۲۰۴ . هرچه باداباد
۴۳۴	آب نالید ، وقت جوشیدن	۲۰۵ . همنشین ناهموار
۴۳۷	ای جسم سیاه مومیائی .	۲۰۶ . یاد یاران
۴۴۰	۲۰۷ . این قطعه را در تعزیت پدر بزرگوار خود سروده ام .	
۴۴۱	۲۰۸ . این قطعه را برای سنگ مزار خود سروده ام .	
۴۴۳ ، ۴۴۴		مقطعات
۴۴۷ ، ۴۴۸		واژه نامه

کلیه قطعاتی که با تیتراژ درشت نوشته شده است از
دیوان اختر چرخ ادب پروین اعتصامی
انتخاب شده است.